

بررسی نقش اقتصادهای در حال ظهورِ موسوم به BRIC در بازار جهانی انرژی و تبعات آن برای سیاست‌های انرژی ایران

فاضله خادم

مقدمه

گروه یا ائتلاف BRIC که حروف اول اسامی چهار کشور برزیل، روسیه، هندوستان و چین را در بر گرفته است. متشکل از کشورهای نوظهور اقتصادی است که طی دو دهه گذشته، رشد اقتصادی بالایی داشته و به قطب‌های اقتصادی جدیدی در جهان تبدیل شده‌اند. یک چهارم مساحت کره زمین، بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان و ۴۵ درصد ذخایر ارزی جهان متعلق به این چهار کشور بوده و تصمیم‌گیری‌های آنها در اقتصاد جهانی تاثیرگذار می‌باشد. از آنجایی که این کشورها شتاب بالایی را در اقتصاد خود تجربه می‌کنند و در دو دهه آینده نیز بطور میانگین بیش از ۶ درصد نرخ رشد را تجربه خواهند کرد، حداکثر تا سال ۲۰۵۰ به رقبای جدی کشورهای قدرتمند جهان تبدیل خواهند شد. بر اساس پیش‌بینی (EIU) Economist Intelligence Unit این گروه در سال ۲۰۲۰ گروه با جمعیتی برابر ۳۱۸۲ میلیون نفر دارای GDP برابر ۴۳۷۲۷ میلیارد دلار و GDP سرانه ۱۷۹۰۷ دلار خواهد بود این در حالی است که آمار ذکر شده برای کل جهان به ترتیب برابر ۷۵۱۸ میلیون نفر، ۱۴۶۳۴۴ میلیارد دلار و ۱۹۴۶۶ دلار می‌باشد.

جهان	BRIC		چین		هند		روسیه		برزیل			
	۲۰۲۰	۲۰۰۸	۲۰۲۰	۲۰۰۸	۲۰۲۰	۲۰۰۸	۲۰۲۰	۲۰۰۸	۲۰۲۰	۲۰۰۸		
۷۵۱۸	۶۶۸۰.۴	۳۱۸۲	۲۸۰۹.۷	۱۴۲۴	۱۳۲۸	۱۴۰۳	۱۱۴۸	۱۳۵	۱۴۱۸	۲۲۰	۱۹۱.۹	جمعیت (میلیون)
۱۴۶۳۴۴	۶۸۲۳۷	۳۳۷۲۷	۱۵۷۴۶	۲۶۸۱۷	۸۱۴۸	۹۳۴۰	۳۳۵۷	۴۱۷۳	۲۲۶۰	۳۳۴۲	۱۹۸۱	GDP لسمی (میلیارد دلار)
۱۹۴۶۶	۱۰۲.۴	۱۷۹۰.۷	۸۳۰.۵	۱۸۱۶۶	۶۱۳۶	۶۶۵۶	۲۹۲۴	۳۰۹۲۱	۱۵۹۳۷	۱۵۱۸۷	۱۰۳۲۵	GDP سرانه (دلار)
۹۲۱۰۰	۷۳۶۵۲	۱۹۶۰۰	۱۵۶۵۲	۴۰۰۰	۳۷۹۰	۱۰۰۰	۶۹۳	۹۸۰۰	۹۳۵۷	۴۸۰۰	۱۸۱۲	تولید نفت خام (هزار بشکه در روز)
۹۲۱۰۰	۸۵۷۵۲	۲۰۹۰۰	۱۶۱۹۴	۱۱۶۰۰	۷۸۳۱	۳۶۰۰	۲۹۶۲	۲۷۰۰	۲۹۱۶	۳۰۰۰	۲۴۸۵	مصرف نفت خام (هزار بشکه در روز)
-	-	-	-	-	-۳۸۴۸	-	-۲۰۷۲	-	۶۸۷۶	-	-۸۳	خالص صادرات/واردات (+)
-	۱۳۳۲	-	۹۳۸	-	۱۶	-	۵.۶۲	-	۶۰	-	۱۲/۸۲	ذخایر اثبات شده (میلیارد بشکه)

منبع: EIU و EIA و International Energy Outlook 2010

کشورهای BRIC در حدود ۷ درصد ذخایر نفتی جهان را در خود جای داده‌اند. این در حالی است که این کشورها دارای ۲۵ درصد ذخایر گازی و ۴۰ درصد ذخایر زغال‌سنگ جهان می‌باشند. در بین کشورهای BRIC تنها روسیه به عنوان صادرکننده انرژی مطرح است. بنابراین روسیه نقش مهمی در عرضه نفت و گاز و بخصوص گاز و بویژه در بین بازارهای اوراسیا داشته و از آنجایی که سایر کشورهای BRIC اغلب به عنوان واردکننده نفت مطرح هستند لذا تقاضای سوخت‌های فسیلی این اقتصادهای نوظهور، بازارهای جهانی را تحت تاثیر زیادی قرار داده و این اقتصادها با توجه به رشد سریع خود، در سال‌های آتی نیز در بازار انرژی تاثیرگذار خواهند بود. لذا بررسی تاثیر اقتصادهای نوظهور بر بازار فعلی و آتی انرژی حائز اهمیت است. برای ایران که به عنوان تولیدکننده نفت و گاز و کشور مهم در عرصه انرژی مطرح است نیز تبعات سیاست‌های این اقتصادهای نوظهور بر ژئوپلیتیک انرژی ایران مهم است.

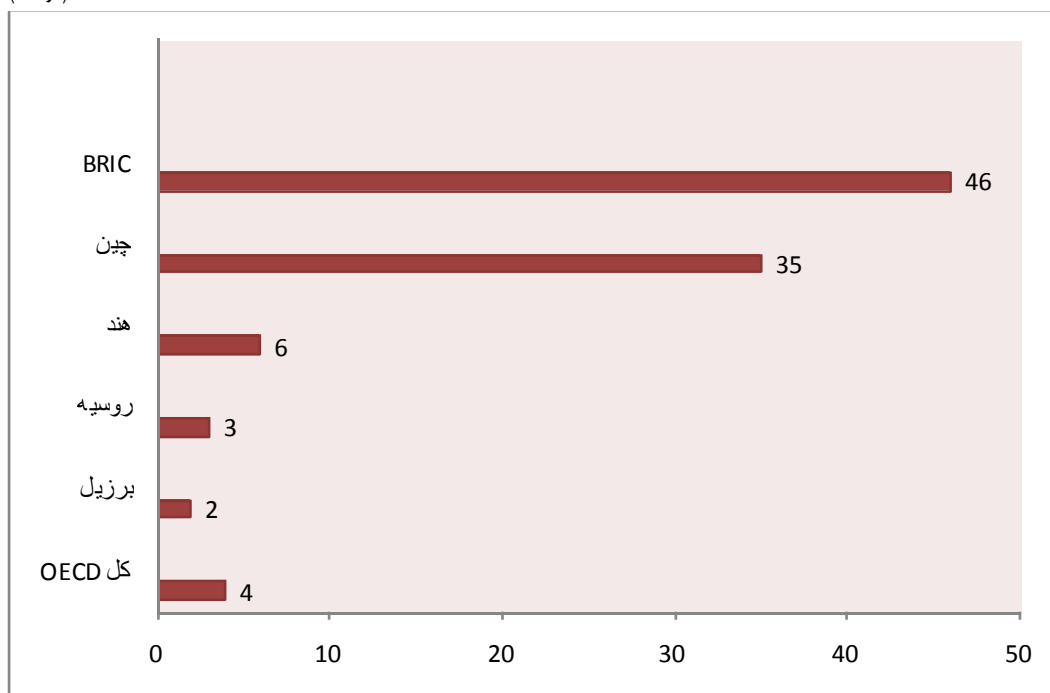
رشد مستمر اقتصادی کشورهای BRIC طبعاً در ارتقاء سطح زندگی مردم آنها تاثیرگذار است و این امر موجب افزایش تقاضای بیشتر و مصرف انرژی خواهد شد. بر طبق گزارشات اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده (EIA)، در سال ۲۰۰۷، ۱۸ درصد تقاضای کل نفت (۸۴/۶ میلیون بشکه در روز) متعلق به کشورهای مذکور بوده است و این رقم در سال ۲۰۳۰ به ۲۳ درصد افزایش می‌یابد از این میزان تنها ۱۳/۴ درصد متعلق به کشور چین است. در سال ۲۰۰۸ نیز مصرف نفت این چهار کشور بیش از ۱۶ میلیون بشکه در روز بوده است که در مقایسه با مصرف نفت آمریکا که در حدود ۲۰ میلیون بشکه در روز می‌باشد اهمیت چشمگیر این گروه را در حوزه انرژی نشان می‌دهد.

نکته حائز اهمیت دیگر در بازار نفت و گاز، حضور فعال شرکت‌های نفتی این چهار کشور است. بر طبق تحقیقی که موسسه Goldman Sachs انجام داده است شرکت‌های مربوط به چهار کشور برزیل، روسیه، چین و هند، بیشترین بازاری که قبلاً در اختیار شرکت‌های امریکائی بود را در اختیار گرفته‌اند. در ابتدای اولین جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، بیش از نیمی از ۲۰ شرکت بزرگ انرژی حاضر در منطقه، آمریکایی بودند و باقی آنها اروپایی. اکنون کشورهای BRIC و اروپا بیش از دوسوم این شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند و شرکت‌های آمریکایی کمتر از یک‌سوم. بنابراین سهم این کشورها از حدود صفر در سال ۱۹۹۰ به حدود دوسوم در حال حاضر رسیده است و در عین حال، سهم شرکت‌های آمریکایی به کمتر از یک‌سوم تقلیل یافته است. مهم‌ترین عاملی که اکثر تحلیلگران بر آن اتفاق نظر دارند، رشد شرکت‌های ملی نفت است که تحت نظر شرکت نفتی دولتی هر کشور اداره می‌شود. شرکت نفت

پتروچاینا که بازوی اجرایی شرکت ملی نفت چین است یا گازپروم روسیه که بزرگ‌ترین شرکت گازی جهان است یا پتروبراس برزیل نمونه‌هایی در این زمینه هستند. اهمیت BRIC در بازار جهانی نفت و گاز به حدی است که رئیس شرکت کونوکو اعلام کرد که رقابت جهانی نفت به دلیل افزایش سهم BRIC به رقابتی نفس‌گیر بدل شده است.

افزایش خالص در مصرف انرژی در بخش انرژی در کشورهای گروه BRIC و OECD (۲۰۳۰-۲۰۰۶)

(درصد)



منبع: EIA, 2009

با توجه به اینکه کشورهای BRIC، بیش از ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص داده‌اند، در کنار دیگر بازارهای نوظهور هر ساله به انرژی بیشتری نیاز دارند بنابراین برای ایران که یک کشور تولیدکننده نفت و گاز می‌باشد این کشورها حائز اهمیت اقتصادی و استراتژیک می‌باشد. بنابراین در پی آن هستیم تا با ارائه گزارش‌های پژوهشی مستمر در این زمینه به این مهم پردازیم تا نکات قابل طرح در دیپلماسی انرژی ایران با این گروه نیز مشخص شود و مورد بهره‌برداری سیاست‌گذاران بخش انرژی و دستگاه دیپلماسی قرار گیرد. در این قسمت ابتدا شکل‌گیری این قطب جدید سیاسی اقتصادی ب و سپس دیدگاه‌های مختلف در مورد BRIC و در نهایت جایگاه آن در سیاست بین‌الملل، از طریق بررسی اجلاس‌های این چهار کشور مورد توجه قرار می‌گیرد.

شکل گیری قطب جدید سیاسی اقتصادی BRIC

در سال ۲۰۰۱ جیم اونیل^۱ از یک موسسه بین‌المللی سرمایه‌گذاری در آمریکا به نام Goldman Sachs برای اولین بار از این واژه در تحقیقات علمی خود استفاده کرد که برگرفته از حروف اول نام کشورهای تشکیل دهنده آن یعنی برزیل، روسیه، هند و چین است. گروه بریک متشکل از کشورهای نوظهور اقتصادی است که طی دو دهه گذشته، رشد اقتصادی بالایی داشته‌اند و به قطب‌های اقتصادی جدیدی در جهان تبدیل شده‌اند. میانگین رشد اقتصادی در این چهار کشور در سال جاری ۶/۴ درصد بوده است. به همین دلیل این موضوع باعث شده تا اکثر ناظران به این نتیجه برسند که این چهار کشور توانایی تاثیرگذاری در خارج کردن اقتصاد جهان از رکود را داشته باشند و همچنین می‌توانند باعث ایجاد رشد در اقتصاد جهان شوند.

کشورهای مورد بحث با تحکیم پایه‌های جهان چند قطبی، در جهت ایجاد شرایط برای تحکیم امنیت بین‌الملل همکاری می‌کنند. کشورهای عضو این گروه در این موضوع که جامعه جهانی بایستی در حل مناقشات بر متدهای دیپلماتیک و حقوقی تکیه داشته باشد و نه متدهای نظامی، متفق‌القول هستند. آنها معتقد به ضرورت تحکیم پایه‌های جمعی در روابط بین‌الملل و شکل‌گیری جهان دموکراتیک و عادل هستند.

کشورهای عضو این گروه به صورت فعالی در «گروه ۲۰» که مکانیزم اصلی هماهنگی تلاش‌های بین‌المللی برای ایجاد سیستم جدید مدیریت اقتصاد جهانی به شمار می‌رود، حضور دارند. همچنین اعضای این گروه بر اساس راهبرد مشترک خود در اجلاس «گروه ۲۰» در پیتسبورگ موفق شدند ۵ درصد آرا در صندوق بین‌المللی پول و ۳ درصد آرا در بانک جهانی را به نفع اقتصادهای جدید و در حال توسعه تغییر داده و با موفقیت آن را به تصویب برسانند.

روسیه، چین، هند و برزیل به صورت فعالی در سازمان ملل متحد همکاری می‌کنند. بارزترین نمونه آن، قطعنامه‌های مشترکی هستند که توسط این کشورها در خصوص جلوگیری از استقرار انواع سلاح‌ها در فضا و عدم استفاده از متدهای نظامی در رابطه با پایگاه‌های فضایی در مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شده است.

با مقدمه فوق به این جمع بندی می‌توان رسید که دو پدیده در راه‌اندازی ائتلاف BRIC نقش دارد. پدیده اول رشد اقتصادی چهار کشور عضو این گروه و همچنین افزایش ذخایر ارزی آنها است که به آنها اجازه بازیگری در مناسبات مالی و پولی بین‌المللی را داده است. چین دارای ذخیره‌ای در حد ۲/۱

¹ - Jim O'Neill

تریلیون دلار است. روسیه که تا سال ۱۹۹۲ فاقد ذخیره ارزی عمده‌ای بود بعد از اصلاحات اقتصادی، در حال حاضر ذخیره‌ای در حد ۴۰۲ میلیارد دلار دارد. هند و برزیل در ۱۰ سال گذشته، رشد صادرات چشمگیری داشته‌اند و علیرغم نبود تعادل در اقتصاد جهانی، صاحب ثروت شده‌اند. بنابراین اقتصاد و ثروت باعث مطرح شدن این گروه در اقتصاد بین‌الملل شده است. پدیده دوم ریشه در تغییر و دگرگونی در مراکز تجمع ثروت و قدرت دارد که با ترکیب رقابت و همکاری در بین بازیگران عمده فعال در صحنه روابط بین‌الملل همراه شده است. چهار رهبر شرکت‌کننده در دومین اجلاس این گروه در برزیل، مستقیماً از واشنگتن و از گردهمایی هسته‌ای اوپاما به برزیل آمده بودند، این کشورها در عین همکاری با آمریکا، در تعیین سهم بیشتر از قدرت و ثروت جهانی و مخصوصاً در اثرگذاری بر نهادهای بین‌المللی اقتصادی و امنیتی با ایالات متحده رقابت دارند. در درون گروه نیز ترکیبی از رقابت و همکاری به چشم می‌خورد. علاوه بر این همگی آنها در گروه ۲۰ عضو هستند و در واقع یک بلوک فرعی در درون گروه ۲۰ به حساب می‌آیند.

ذخایر ارزی کشورهای BRIC در سال ۲۰۰۹

رتبه	کشور	میلیارد دلار
۱	چین	۲۱۳۲
۳	روسیه	۴۰۲
۵	هند	۲۶۵
۷	برزیل	۲۰۷

منبع: IMF

BRIC، گروهی نوظهور در بین قدرت‌های نوظهور در عرصه سیاست بین‌المللی است. تفاوت‌ها در بین تک تک این اعضا از زاویه عناصر قدرت فراوان است. پراکندگی سرزمینی بین آنها، گروه را از حالت یک سازمان منطقه‌ای خارج کرده و ماهیتی ائتلافی به آن بخشیده است. اما این ائتلاف در پی به هم زدن سامانه‌های موجود نیست و همانطور که گفته شد خواهان کسب سهم بیشتر در نهادهای بین‌المللی تجمع ثروت و قدرت است.

تمایز دیدگاه‌ها در مورد BRIC

اگرچه یکی از علل مطرح شدن این گروه شتاب بالا در رشد فعلی و آتی اقتصادی آنهاست و برخی کارشناسان بر این اعتقاد هستند که آنها توانایی خارج کردن اقتصاد جهان از رکود را دارند اما برخی از کارشناسان اقتصادی نیز معتقدند به رغم رشد اقتصادی چشمگیر این اقتصادهای در حال توسعه، آنها از قدرت کافی برای بیرون آوردن اقتصاد جهان از رکود برخوردار نیستند چون به رغم آغاز روند رونق اقتصادی در جهان، همچنان با مشکلات اقتصادی مختص خود روبرو هستند.

جی بریسون یک اقتصاددان در این رابطه می‌گوید: درست است که اقتصاد این چهار کشور جزء برترین‌های جهان محسوب می‌شوند اما این بدان معنا نیست که آنها می‌توانند جهان را از رکود اقتصادی خارج کنند. اقتصاد این چهار کشور فقط ۱۵ درصد اقتصاد جهان را شامل می‌شود بنابراین می‌توان گفت که رونق اقتصاد این چهار کشور می‌تواند در رهایی اقتصاد دنیا از رکود تاثیرگذار باشد ولی نه اینکه عامل رهایی از رکود اقتصادی باشد.

اجلاس‌های BRIC

از سال ۲۰۰۶ به بعد وزرای خارجه چهار کشور، اجلاس‌های منظم سالانه برگزار کرده‌اند. وزرای اقتصاد و رؤسای بانک‌های مرکزی آنها نیز نشست‌های ادواری دارند. در ۱۶ می ۲۰۰۸ وزیران خارجه این چهار کشور در روسیه نشستی را برگزار کردند.

اولین اجلاس بریک (۱۶ ژوئن ۲۰۰۹) که با حضور تمام اعضا در یکاترینبورگ روسیه برگزار شد و در بسیاری از زمینه‌های مورد نظر به توافقات مهمی دست یافت. مباحث این جلسه حول محور بررسی وضعیت اقتصادی جهان و اینکه این چهار کشور چگونه می‌توانند در آینده برای بهبود این وضعیت همکاری کنند، متمرکز بود. در این جلسه بر اصلاح موسسات مالی بین‌المللی نیز به عنوان یک راهکار پیشنهادی تاکید شد. می‌توان گفت نخستین واکنش‌های این گروه علیه منافع آمریکا در این اجلاس و زمانی آغاز شد که پیشنهاد ایجاد یک واحد ذخیره ارز جدید جهانی (Global reserve currency) که قابل گسترش و قابل پیش‌بینی و نامتغیر باشد ارائه شد.

دومین اجلاس سران کشورهای عضو گروه در روزهای ۱۵-۱۶ آوریل ۲۰۱۰ در برزیل برگزار شد. این اجلاس‌ها اگرچه نوپا محسوب می‌شود، اما از همان قدم‌های نخست اعتبار زیادی را در صحنه بین‌الملل کسب کرده است. حضور مدودف، رئیس جمهوری روسیه، هو جیتائو، رهبر چین، مانموهان سینگ، نخست‌وزیر هند و لولا، نخست‌وزیر برزیل در کنار یکدیگر بلافاصله بعد از اجلاس امنیت هسته‌ای در واشنگتن، چیزی متفاوت از آنچه را که اوباما راه‌اندازی کرده بود به تصویر می‌کشد. چهار کشور، در بیانیه نهایی خود، بر دو محور «حکمرانی جهانی» و «وضع جهانی اقتصاد» خواستار جهانی دمکراتیک،

چندقطبی و مبتنی برابری دولت‌ها شدند. آنها از لزوم اصلاح ساختار نظام سازمان ملل متحد نیز سخن گفتند و شاید مهم‌تر از همه اینکه در بخش اقتصادی بیانیه، خواستار تحول در مکانیزم رأی‌گیری در صندوق بین‌المللی پول شدند و بر لزوم اصلاحات در نهادهای مالی و بین‌المللی تأکید کردند و خواستار شدند که باید در تصمیم‌گیری‌های دو نهاد مؤثر اقتصاد بین‌المللی، یعنی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بیشتر سهم داشته باشند. مطالبی که در بیانیه نهایی نبود نیز جالب به نظر می‌رسد. رسانه‌های گروهی غربی اخباری را منتشر کردند که آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان از BRIC خواسته بودند که مسأله لزوم تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران (مربوط به پرونده هسته‌ای) را در بیانیه خود وارد کنند ولی سران چهار کشور چنین اقدامی را ضروری ندیدند و مطلبی در بیانیه نیاوردند.

منابع و مأخذ :

- Think bric,Energy and natural resources,KPMG,2009
- International Energy Outlook 2010
- BRICS AND BEYOND , Goldman Sachs Global Economics Group,2009
- WWW.EIA.GOV
- www.imf.org